



آیت‌الله شب‌زنده‌دار در اجلاس‌یه اساتید حوزه علمیه قم

# اساتید حوزه تحول در تدریس فقه استدلالی رابرسی کنند

آیت‌الله محمدمهدی شب‌زنده‌دار، دبیر شورای‌عالی حوزه‌های علمیه روز پنجشنبه ۱۵ آبان ۱۴۰۴ در اجلاس‌یه اساتید حوزه علمیه قم با موضوع «حوزه پیشرو و سرآمد» که در سالن اجتماعات مدرسه علمیه امام کاظم علیه‌السلام برگزار شد، با اشاره به نقش راهبردی حوزه‌های علمیه در پاسداشت شریعت و گسترش معارف دینی، به ایراد سخن پرداخت که متن کامل در ادامه می‌آید.

التَّاسِ عَلِمَكَ وَ اُخِرْتَ بِهِمْ عِنْدَ طَلِبِهِمْ» و اگر بخل می‌ورزی، آن دانش‌های خود را در اختیار قرار نمی‌دهی یا در مقام اخلاق و از نظر اخلاق تند می‌شوی و مراعات این جهات را نمی‌کنی، آن وقت «كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ يَسْلُبَكَ الْعِلْمَ وَبَهَاءَهُ»؛ [حق خداست که] هم علمت را از دست بگیرد، هم آن وجهات و آن احترامی که در بین مردم پیدا کرده بودی، در اثر این علم، آن‌ها را از تو سلب کند. «وَيُسْقِطُ مِنَ الْقُلُوبِ مَحَلَّكَ». مسأله استاد و اخلاق استاد در کنار علم، بسیار بااهمیت است. استاد علوم مختلف، اگر در مقام القای درس، بیان مطالب، خداترسی از او تراوش کند، ظهور پیدا کند، شاگردی که آنجا نشسته است، توجه کند در کنار آن دقایق علمی، به اینکه استاد خودش را در محضر حق تعالی می‌بیند، مطالبی که می‌گوید، افعال و رفتاری که دارد، توجه دارد که در محضر حق تعالی است، آن چنان این حالات در دانش‌آموزانی که در آن محفل حضور دارد، اثر خواهد کرد که بعید نیست، گفته شود از درس‌های اخلاق جدا، شاید اثرش بالاتر باشد.

بارها و بارها و بارها شد که در مجلس درس فقه و اصول مرحوم آیت‌الله آقای حاج شیخ مرتضی حائری [که] مرد دقیق‌النظری بود، مطالب فراوان در ذهن شریف خودش مطرح می‌شد، اما پیوسته من یادم می‌آید، گاهی مطلبی را از کفایه [و یا] از کتاب دیگری نقل می‌فرمود، اشکالات متعددی به ذهن شریفش می‌آمد؛ اما پیوسته بعد از یک اشکال، دو اشکال می‌فرمود: ما نمی‌خواهیم به کسی اشکال کنیم. مقصد ما ابانه حق است. از این باب که ابانه حق شود، مطلبی را از دُرَر یا از والد معظم‌شان، چون یک مدتی هم ایشان درس والدشان شرکت کرده بودند، می‌فرمودند:



بسم الله الرحمن الرحيم «الحمد لله رب العالمين وصلى الله تعالى على سيدنا ونبينا ابي القاسم المصطفى محمد وعلى آله الطيبين الطاهرين المعصومين لاسيما بقية الله الاعظم ارواحنا فداء وعجل الله تعالى فرجه الشريف ولعنة الدائمة على اعدائهم اجمعين»

ایام سوگواری صدیقه کبری فاطمه زهرا علیها‌السلام هست. این مصیبت جانگاہ را خدمت حضرت بقیة‌الله اعظم ارواحنا فداء وفاطمه معصومه علیها‌السلام و همه شیعیان و موالیان آن بزرگواران و شما اعلام و اساتذہ مکرم آیات و حجج‌اسلام والمسلمین تسلیت عرض می‌کنم. این صلوات خاصه آن وجود مبارک را ابتدائاً خدمت آن بزرگوار تقدیم می‌کنم.

بسم الله الرحمن الرحيم اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الصِّدِّيقَةِ فَاطِمَةَ الزَّكِيَّةِ، حَبِيبَةِ حَبِيبِكَ وَنَبِيِّكَ وَأُمَّ أَجَنَّاكَ وَأَوْشِيَاكَ، الَّتِي انْتَجَبْتَهَا وَفَضَّلْتَهَا وَاخْتَرْتَهَا عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ. اللَّهُمَّ كُنِ الطَّالِبَ لَهَا مِمَّنْ ظَلَمَهَا وَاسْتَحَقَّ بِحَقِّهَا وَكُنِ النَّاتِرَ لِلَّهِمَّ بِدَمِ أَوْلَادِهَا. اللَّهُمَّ وَكَمَا جَعَلْتَهَا أُمَّ أَيْمَةِ الْهُدَى وَخَلِيلَةَ صَاحِبِ الْبِلَاءِ وَالْكَرِيمَةِ عِنْدَ الْمَلَأِ الْأَعْلَى، فَصَلِّ عَلَيْهَا وَعَلَى أَهْلِهَا صَلَاةَ تَكْرُمُ بِهَا وَجْهَ أَبِيهَا مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَتَقَرُّ بِهَا أَغْنِيَنَّ دُرَّتِيهَا وَأَبْلِغْهُمْ عَنِّي فِي هَذِهِ السَّاعَةِ أَفْضَلَ الْحَاجَةِ وَالسَّلَام.

خبر مقدم عرض می‌کنم خدمت اساتید معظم واقبل آیدیکم شما انصار دین‌الله هستید. برقراری حوزه‌های علمیه که در حقیقت باقی‌نگاه‌دارنده شریعت مقدسه و معارف الهیه و آموزه‌های دینی است، به‌برکت حوزه‌های علمیه و ارکان آن که رکن رکن حوزه‌های علمیه و اساتید معظم حوزه‌های علمیه هستند.

در اسلام عزیز همان‌طور که از روایات متعدده برمی‌آید و بزرگان دین بر او اصرار ورزیده‌اند، از اعصار گذشته مانند صاحب جامع‌الشرایع و علامه و بزرگان دیگر، استاد و مدرس و معلم تراز اسلام استاد و مدرس و معلمی است که در کنار علم و دانش و انتقال معلومات علمی و دانشی خود، متخلّق به اخلاق الهی باشد. استادی و مدرسی مقبول حق تعالی و اولیایش هست که در کنار علم، عامل به علم باشد. در کنار تدریس، انتقال فضائل، معنویت، خداترسی و اخلاق را هم انتقال بدهد و انتقال این امور، بیشتر با عمل، با سیره و با کنشی است که در مقابل دانش‌آموزان و دانش‌جویان و طلاب خود دارند.

من در این فرصت بسیار کوتاه، ابتدائاً کلامی را از امام علی‌بن‌الحسین علیه‌السلام در رساله‌الحقوق که در این باب افاده فرموده است، [نقل می‌کنم] و مزین می‌کنم کلام را به فرمایش آن بزرگوار که این مقطع از کلام امام سجاد علیه‌السلام را فقه‌های بزرگ هم در ابتدای کتب فقهیه خودشان یا در انتها و یا به یک مناسبت بیان فرمودند.

امام سجاد علیه‌السلام حسب این نقل که در «من لا یحضره الفقیه» هست، در «خصال» هست، در «امالی» صدوق هست و در کتب دیگر، می‌فرمایند: «أَنَا حَقٌّ رَعَيْتَكَ يَا عَلِيَّ، فَإِنْ تَعَلَّمَ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ إِنَّمَا جَعَلَكَ قِيَمًا لِّهِمْ؛ کسانی که سرپرستی علمی آن‌ها را به عهده دارید و قائم به شئون علمی آن‌ها و تحصیل آن‌ها هستید، استاد این جهت را باید توجه داشته باشد که «إِنَّمَا جَعَلَكَ قِيَمًا لِّهِمْ فِيمَا آتَاكَ مِنَ الْعِلْمِ». واولا این علم تو نیست؛ دانشی است که خدا به تو عطا کرده است؛ پس جای غرور نیست. جای اینکه خودنمایی کنی، آن‌ها را از خودت بدانی. نه اینها نعمتی است که خدای متعال، البته با کوششی که کرده‌ای، با اختیار راهی که انجام داده‌ای، اما همه نعمت‌ها از خدای متعال هست «وَفَتَحَ لَكَ مِنْ خَزَائِنِهِ». این دانشی است که خدای متعال از خزانه علم خودش و علوم خودش در اختیار تو قرار داده است.

حالا بعد از اینکه عالم شدی، واجد این معلومات شده‌ای. حالا در مقام آموزش و تربیت دیگران «فَإِذَا أَحْسَنْتَ فِي تَعْلِيمِ النَّاسِ وَلَمْ تَخْرُقْ بِهِمْ وَلَمْ تَضَيِّرْ عَلَيْهِمْ زَادَكَ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ»؛ اگر در مقام تعلیم، روش نیکویی را برگزیدی «وَلَمْ تَخْرُقْ بِهِمْ»، در این مقام، حالت خشونت و عدم رفق نداشته‌ی و حالت غضب بر آنها روا نداشته‌ی، به قول مرحوم مجلسی اول که در روضه‌المتقین می‌فرماید: ممکن است در مقام یادگرفتن فرض کنبد، شخصی به‌زودی سرعت انتقال ندارد یا سوالات بی‌جا می‌کند یا آداب تعلم را و آن ادب‌هایی را که باید در مقابل استاد داشته باشد، نداشته باشد. این‌ها باعث نشود که تو واکنش ناصوابی در مقابل این چنین امور داشته باشی. نه، اگر احتیاج به تکرار و توضیح بیشتر دارد، حوصله به خرج بدهید، صرف وقت کنبد. همان‌طور که از آیت‌الله آقا‌سید محمد فشارکی، استاد بزرگ اعلامی مانند آقای حاج شیخ عبدالکریم، آقای نائینی و آقای اصفهانی رحمته‌م‌الله نقل شده است، در نقلی که آیت‌الله حاج شیخ مرتضی حائری دارند، از والدشان ظاهراً نقل می‌فرمایند که ایشان می‌فرمود: من وظیفه خودم می‌دانم که وقتی طلبه‌ای سؤال علمی دارد، از بحث جایی را متوجه نشده است، می‌آید سؤال می‌کند یا اشکالی به ذهن آن آمده است، وقت صرف کنم و او را رد نکنم، بی‌حوصلگی به خرج ندهم و همه این‌ها را برای خدا انجام می‌دهم. ایشان فرموده بود که درس را هم که می‌گویم، این‌ها را هم برای خدا انجام می‌دهم.

می‌فرماید که اگر استاد این سه جهت را مراعات کند، [یعنی] هم در مقام تعلیم، هم از نظر مطلب، هم از نظر استدلال و هم از نظر بیان طریق نیکو را مراعات کند و از نظر اخلاقی هم آن دو جهت را مراعات نماید، اثرش این است که خدای متعال علم او را افزایش می‌دهد. «زَادَكَ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ»؛ اما در نقطه مقابل «وَإِنْ أَنْتَ مَمْتَعٌ

برای تکمیل مبانی عقائدی خودش لازم دید که بیاید تهران و خدمت اساتید علوم عقلی تهران این جنبه علمی خودش را هم تقویت کند؛ لذا وارد تهران شد کسی را نمی‌شناخت؛ اما قصدش چون قصد الهی بود، هجرت برای خدا کرده بود، دستگیری معنوی از او شد. شخصی به او برخورد و او را هدایت کرد.

اینجا در این داستان هست که آن شخص گفت: این علم را، این رشته علمی را فلانی و فلانی تدریس می‌کنند. او در مدرسه سپهسالار و ایشان هم استادی است که باز یعنی آقای اصطهباناتی. اگر درس آقای اصطهباناتی رفتی اشکالی ندارد؛ اما اگه درس آن آقا رفتی آن عالم است، او در این فن ورود دارد، مهارت دارد، تضلع دارد؛ اما وارد مجلس بحثش نشو. دور بنشین و صدای او رو بشنو و استفاده کن... چون اخلاق او اخلاقی نیست که بخوای در حلقه درسش وارد بشوی. ببینید وقتی دستگیری معنوی هم می‌خواهند بکنند، روی این جهت استاد تکیه می‌کنند که چون اثرگیری انسان از استاد بسیار بالاست، این راتوجه می‌دهند.

اساتید معظم، قره‌الاعین، حضرت بقیة‌الله الاعظم ارواحنا فداء، آن بزرگوار از همه حوزویان و به‌خصوص شما اساتید معظم این انتظار قطعی را دارد که در کنار بالا بردن سطح علمی و ان‌شاءالله ابتکارات و توجه به لطایف علمی، عالم‌هایی را بیورانید که خدا ترس باشند عالم‌هایی را بیپورانید که حب ریاست، حب جاه، حب مقام، در آن‌ها نباشد. اگر خدمتی می‌کنند، اگر به جایی می‌رسند، اگر مقامی پیدا می‌کنند، جز برای تقرب به خدای متعال، ادای وظیفه و پیشبرد اهداف الهی نظر دیگری را نداشته باشند.

رهبری معظم «دام ظلّه‌العالی» در این پیام مبارک‌شان که برخواسته از تجربه‌های ممتد ایشان در مجالات مختلف علمی و سیاسی و تجربی هست روی این مسأله تأکید مصرانه‌ای فرموده‌اند که ما نیاز داریم به عالم مهذب و مهذب، خودش مهذب باشد و تهدیب‌کننده نفوس طلاب و دانش‌پژوهان بوده باشد تا آنکه هریک از آن‌ها در میدان علم و تربیت و اثرگذاری در جامعه، بتوانند آنچه توقع از یک عالم دینی است، ان‌شاءالله انجام بدهند.

محسوس هست، شهرها و محلات و جاهایی که یک عالم خداترس و عالمی که جزء کسانی شمرده می‌شود که یَذْكُرُكُمْ الله رُويته است، مردم آن محل، مردم آن منطقه، مردم آن شهر، حالت الهی پیدا می‌کنند. خداترسی پیدا می‌کنند و به معنویت روی می‌آورند. اگر حضرت امام علیه‌السلام نفسه الرکیه این‌چنین اثر گذاشت، یک کشور را یک کشور پهناور را توانست بسیج کند، در مقابل اعدای الهی و ظالمین، نبود جز اینکه در کنار آن علم قوی و بالا، از آن خداترسی و از آن اخلاق حمیده برخوردار بود.

از صاحب جامع الاحادیث شیعه شنیدم که ایشان می‌فرمود: من ۱۵ سال همسایه حضرت امام علیه‌السلام بودم. در همان کوچه‌ای که منزل ایشان بود، منزل ما هم بود. در این ۱۵ سال هرچه کردم که در برخورد با آن بزرگوار من بادی به سلام باشم، نشد. در تمام جهات ایشان این‌چنین بود. مرحوم والد فرمودند: آیت‌الله خوانساری روزهای پنجشنبه و جمعه شوارق می‌فرمود. در همین محله خلوص و خدمت‌شان می‌رسیدیم. مشغول نوشتن جامع‌المدارک‌شان بودند. طلاب که جمع می‌شدند می‌گذاشتند کنار و بعد شوارق می‌فرمودند. خب این چنین بودند. این‌چنین عمل می‌کردند بزرگان؛ بنابراین امیدواریم که ان‌شاءالله این جهات مورد توجه و دقت شما

اعلام قرار بگیرد.

من دو سه تا مطلب رو می‌خواهم عرض کنم که ان‌شاءالله بعد، از افکار شما عزیزان استفاده کنیم. در شورای‌عالی مدیریت معظم، آیت‌الله اعرافی که به‌حق، مجاهدانه ایشان برای پیشبرد امور حوزه زحمت می‌کشند و معاونان آن بزرگوار که همه بحمدالله از خویان هستند و حجج‌اسلام والمسلمین، مدرس و دارای تجربه، امیدواریم که با همت این بزرگواران ان‌شاءالله و جناب حجت‌الاسلام والمسلمین آقای فرخ‌فال در دبیرخانه و دوستانی که با این بزرگوار همکاری می‌کنند و شورای معظم عالی حوزه‌های علمیه ان‌شاءالله بشود، آنچه که مدنظر رهبری معظم دام‌ظله‌العالی بوده است و مراجع بزرگوار تقلید ان‌شاءالله و شما اعزه و اساتید و دلسوزان حوزه‌های علمیه و همچنین طلاب و فضایی محترم، یک تحول قابل توجهی به سوی اهداف بزرگ ان‌شاءالله تحقق پیدا کنند.

سؤالی که من می‌خواهم مطرح کنم، ان‌شاءالله از اساتید استفاده کنیم، به اینکه آراء و نظار و مناهج مطلب را ان‌شاءالله منتقل بفرمایند. این است که آیا برای پیشرفت علمی حوزه‌های علمیه همین روشی که الان ما در فقه استدلالی داریم که منحصر است به مکاسب و بیع و خیمارات شیخ اعظم رحمته‌م‌الله که در ققه از اتقان و البته علمیت قرار دارد، اگرچه خب به‌برکت فرمایشات آن بزرگوار و جهاد علمی آن بزرگوار و اخلاقی آن بزرگوار؛ خب علم خیلی پیشرفت کرده است از آن زمان تا به امروز... یک وقتی صحبت بود چندین سال پیش از تغییر مثلاً بعضی کتب درسی؛ فرض کنبد مکاسب شیخ اعظم، استاد معظم ما آیت‌الله‌العظمی وحید خراسانی، خب یک موضعی گرفتند؛

من خدمت ایشان مشرف شدم. من کسی هستم حدود بیست و چند سال فقها و اصولاً مشرف بودم خدمت ایشان. مشرف شدم گفتم: آقا بعد از شیخ انصاری، محقق نائینی، محقق اصفهانی، اساتید شما و آیت‌الله خوبی، مطالب خب خیلی جاها فرق کرده، استدلالات بالاتری آوردند، قسمت‌هایی از آن استدلالات در آنجا روشن شده برای همگان که از آن وزن علمی بالا برخوردار نیست، فکر اول بوده. خود حضرت عالی اگر این‌ها تنقیح بشود و به‌جای آن مطلب، مطالب بالاتر، روش‌های بهتر... ایشان گفتند: اگر این‌طور باشد، خوب است؛ یعنی اشکال در صغری است نه در کبری که این‌طور انجام بشود و آیا نمی‌شود انجام بشود؟ همیشه بگوییم ما نمی‌توانیم؛ پس گروه‌هایی تشکیل بدیم. خدمت ایشان هم شاید عرض کردم، توقع حوزه این است که شما بفرمایید این راه را تشویق کنبد. بعد لجنه‌ای هم قرار بدهید، بگویید آن فرآورده‌ها را بیاورید اینجا... اینها بررسی کنند تا یک تحولی ایجاد بشود، یک پیشرفتی ایجاد بشود.

حالا اینجا هم حرف من این است، سؤال من این است، از اساتید معظم که آیا این راه درست است؟ یا اینکه در کنار استفاده از این مطالب بلند اعاظم، یک دوره فقه استدلالی در صدر خوانده بشود؛ کما اینکه در سابق ریاض می‌خواندند. کدام برای پیشرفت فقه و فقاहत در حوزه‌ها مفیدتر است؟ این سؤال را ان‌شاءالله حضرات و اعلام، پاسخ‌های استدلالی را ان‌شاءالله لطف بفرمایند به دبیرخانه و همچنین خدمت آیت‌الله اعرافی و معاونت آموزش بفرستند که ان‌شاءالله تصمیمات شایسته‌ای گرفته بشود.

از تصدیعی که دادم عذر می‌خواهم...

«وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ».